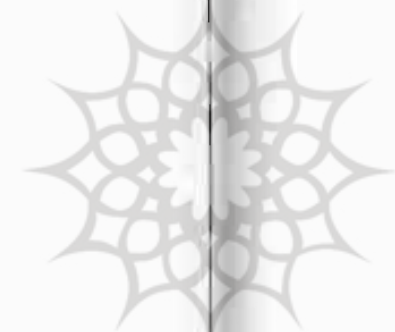


## فرهنگ مردم شناسی



ژوهرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

نامه پژوهشکده  
سال چهارم، شماره ۱-۲  
بهار و تابستان ۱۳۵۹

میشل پانوف ، میشل پرن

به وضوح دیده می شود که ، پژوهشگران مردم شناس و نیز دانشجویان رشته های علوم اجتماعی و انسانی ، گاهی برای یافتن معانی درست یک واژه از زبان های مختلف و کار برد دقیق آن در نزد اقوام سرزمین های دور ، بحث های بی حاصل و خسته کننده ای را - به علت فقدان منابع در این زمینه - دنبال می کنند .  
مسائلی چون ، فرهنگ اقوام ابتدایی و سیر تکاملی جوامع بشری ، گسترش روز افزون خانواده که در رابطه کامل با فرهنگ تجاری اقوام در طول تاریخ می باشد ، و نیز مسائل و مشکلات خاصی که در دایره ، مهاجرت ، تولد ، ازدواج و مرگ ، و پدیده های دیگر زیستی مطرح می شود ، نیاز کامل ما را به استفاده از یک زبان خاص مردم شناسی نشان می دهد . از طرفی نبودن علوم اجتماعی و نیز ارتباط دقیقی که مردم شناسی با جامعه شناسی در این دایره برقرار می کند ، ادغام واژه های مشابهی را سبب شده است . لذا کار برد دقیق واژه های مردم شناسی و تعیین مرزهای مشخص این علم با جامعه شناسی ، با مشکلات روز افزونی مواجه است . از اینرو ، آگاهی از راز مفاهیم واژه ها در این زبان خاص ، مستلزم تعمقی است که به عمق دانش و بینش مردم شناس و پژوهشگر علوم اجتماعی مربوط است . البته در جوامعی که دانش علوم اجتماعی در آن تازه نیست ، مشکل فوق مشخص تر است ، و هنوز بیش از چند سال از تدوین فرهنگ مردم شناسی در آن نمی گذرد . در ایران نیز با همه کوشش های مردم شناسان ، آشنایی کامل با واژه های مردم شناسی ، تا به امروز ، به فراموشی سپرده شده است . شاید به همین دلیل ، گردآوری واژه های مردم شناسی و به طور کلی علوم اجتماعی ، از بزرگترین نیازهای عمده جامعه ماست . بنابراین برای تحقق این امر ، "نامه پژوهشکده" قسمت های مختلف کتاب "فرهنگ مردم شناسی" به قلم "میشل پانوف" (M. Panoff) و "میشل پرن" (M. Perrin)

این واژه که مترادف آن Indigène و Autochtone است به جای "اهل محل" و یا "خالصی" به کار می رود. مع ذلك کاربرد دقیق این واژه در مورد بومیان یک سرزمین و فرزند آنان است که درست از لحظه کشف آن سرزمین به آنان اطلاق می شود، اما، در اکثر اوقات - در مواردی که نسبت نظر دیگری در کار نیست - این کلمه، منحصرأ به بومیان استرالیا اختصاص داده شده است. (Angl. : aborigine; adj. : aboriginal.)

"فرهنگ‌پذیری" Acculturation

این کلمه از اواخر قرن گذشته به وسیله انسان شناسان انگلو - ساکسون، به کار برده شده. و مراد از آن تعیین پدیده‌هایی است که از تماس‌های مستقیم و ادامه دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می شود و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ - در حال ارتباط با یکدیگر - مشخص می گردد.

سایر این، مراد از فرهنگ‌پذیری، سیمای مخصوص فرایند "انتشار" آن است. امروزه، واژه فرهنگ‌پذیری - گاهی در معنای محدود کننده تر - به تماس‌های فرهنگی خاص بین دو جامعه، که از دو "سرو"ی نامساوی برخوردارند، اطلاق می شود. در این صورت جامعه غالب که هماهنگ تر و یا از نظر تکنیک مجهزتر است - معمولاً "از نوع حوامع همبندی" - به صور مستقیم یا غیر مستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می گردد.

چنین به نظر می رسد که داده‌های مختلفی برای تعیین نوع درجه فرهنگ‌پذیری یک جامعه، و نیز برای تشخیص دقیق حوزه و اهمیت پدیده فوق‌الذکر بکار برده شده‌اند.

V. Assimilation, deculturation, enculturation, endoculturation.

V. Nativisme, Syncretisme, Transculturation, Balandier (1962), Eastide (1971), Firth (1959), Fortes (1936), Herskovits (1949), Herskovits et Linton (1940), Kardiner (1939), Redfield, Linton et Herskovits (1939), Tax (1952).

(Angl. : acculturation.)

نسخه:

گاهی واژه آلمانی Kulturfall نیز برای "فرهنگ‌پذیری" بکار برده شده است.

را که توسط آقای "دکتر اصغر عسکری خانقاه" استاد یار دانشگاه تهران، از زبان فرانسه ترجمه شده است، و دارای کلمه واژه‌های متداول در مردم شناسی است، به طور منظم چاپ خواهد کرد تا بدینوسیله دانشجویان و پژوهشگران علوم انسانی و اجتماعی از چگونگی کاربرد دقیق واژه‌ها و مفاهیم آن در مردم شناسی، و نیز درجه اختلاف یا هماهنگی و تطابق آنها با واژه‌های مشابه در جامعه شناسی، آگاهی بیشتری یابند. باشد که در این راه خدمتی به جامعه دانش پژوهان، به ویژه به پژوهشگران مردم شناسی و جامعه شناسی که آگاهانه در راه پیشبرد اهداف علوم اجتماعی گام بر می دارند، ارائه شده باشد.

\*

علامت اختصاری

All. :	آلمانی
Angl. :	انگلیسی
Ant. :	متضاد
Syn. :	مترادف
Ep. :	همسر (زن)
Fe. :	دختر
Fr. :	برادر
Fs. :	پسر
Ho. :	شوهر
Me. :	مادر
Pe. :	پدر
Sr. :	خواهر
V. :	نگاه کنید به

\*\*\*

" Adat ( کلمه مالزیایی )

واژه " Adat " ، برای قانون عرف بومی در " اندونزی " به کار می رود . گاهی نیز به معنای وسیع تر برای کلیه قوانین جاری بومی که در عین حال با قانون رسمی اروپایی در محدوده استعماری ، با هم وجود داشته و به کار برده شده اند - استعمال می شود .  
( Angl. : adat law. )

" Adelpique آدللیک

در مورد از دو احوای چند همسری ، وقتی که زنهای متعددی یک مرد ، خواهان یکدیگرند یا " پولی زنی آدللیک Polygynie adelphique " ، سروکار داریم ، و نیز به طور قریبها بدگفت که ، اگر مسئله مربوط به " پولی باندی آدللیک Polyandrie adelphique " باشد ، شوهران مختلف یک زن با هم برادر خواهند بود .  
( Angl. : adelphic. )

" Adobe آدوب

( کلمه بیست اسپانیایی که از لغت " atob " عرب گرفته شده است ) .  
مراد از واژه " آدوب Adobe " خاکرسی است که با دست یا به کمک قالب ها پرداخت شده ، ولی پخته نشده باشد . آنرا در برابر باد یا در مجاورت خورشید خشک می کنند ، و سپس ، از آن در تهیه آجر یا مستقیماً در ساختن بناها در کشور مکزیک و در جنوب غربی آمریکا استفاده می شود . به طور کلی کاربردش بیشتر در مناطق دارای آب و هوای خشک و نیمه خشک و نیز در قسمت های کثیری از جهان ، مانند ، آفریقای شمالی ، پرو ، ... می باشد .

" آدوب " را اغلب با گاه قاطی نموده و برای پوشاندن ترک خوردگی هایی که معمولاً بعد از خشک شدن بناهای تازه ساخت ایجاد می شود بکار می برند . از این رو قابل مقایسه با " دیوار گلی " می باشد .

به آجر یا بنایی که با این روش تهیه شده است نیز " آدوب " می گویند .

( Angl. : adobe. )

" Adresse, Termes d' "

واژه هایی است که گوینده آنها را برای اشخاصی که نسبت به او جنبه خویشاوندی دارند بکار می برد . بنابراین ، اصطلاح Terme d'adresse جزء مکمل یک رفتار قانونی

تدوین نده است که یک جامعه داده شده - سایر حقوق حقه خود - آنرا از یک فرد ، نسبت به هر یک از اعمال والدینش تقاضا می کند .

متضاد این واژه ' Terme de référence ' می باشد .

( Angl. : Terms of address. )

" سن ، طبقه سنی ' Age, Classe d "

مراد کلیه افرادیست که صرفنظر از جنس ، تقریباً " دارای یک سن می باشند ، و تشکلات آنان به طریقی به یک گروه خاص که از نظر اجتماعی شناخته ، و از مناسک گذر Rites de Passage مشابهی پیروی می کنند ، پیوسته و مربوط است . به طوری که از پایگاه (Statut) واحدی در بن جامعه برخوردار بوده و نیز دارای فعالیت های اجتماعی مشابهی می باشند . افراد بسیاری از جوامع که مردم شناسی از آنها نام می برد - در طبقات سنی مختلفی فرار می گیرند . " طبقات سنی " به این گروهها ، همان قدرت عملکرد مهمی را می دهد که مثلاً " گروههای بنا شده بر اساس خطوط خویشاوندی ' Liens de Parenté ' از آن برخوردارند . جنس مسئله ای در یونان قدیم نیز دیده شده است . در حقیقت ، در بسیاری از موارد ، ' طبقه سنی " خود می تواند سرسرای یک جامعه سنی یا یک جمعیت تشریفاتی باشد .

( Angl. : age set; All. : Altersklasse. )

" هم صلبها ' Agnats "

هم صلبها یا بهتر بگوئیم هم نسلها ، افرادی هستند که از طریق مردان ، نواد از یک جد مشترک دارند . ما بر این به سلسله النسی (Filiation) که نسبت باین حد مشترک ایجاد می شود . هم صلبی ( Agnatique ) یا پدرتباری (Patrilinéaire) گویند .

Ant. : Cognats.

( Angl. : agnates. )

" کشاورزی خطی ' Agriculture itinérante "

این نوع کشاورزی بیشتر در مناطق حاره ای آسیا ، آمریکا و آفریقا مرسوم است . در این سیستم گیاهان محلی را با آتش زدن از بین می برند (Brûlis) ، و به جای آن فوراً " در همان محل بذر پاشیده یا گیاهان خوراکی می کارند . از آنجا که خاک سریعاً " نیرویش را از دست می دهد ، لازم است که به طور ادواری مزارع را جا به جا کرد . به این

ترتیب اغلب اوقات این مسئله باعث جا به جایی روستاها هم می شود .  
 اغلب ، اصطلاحات ؛ "کشاورزی روی زمین سوخته Agriculture sur brûlis ،  
 "کشاورزی کوچنده Agriculture nomade" ، و "کشاورزی براساس کندن و سوزاندن علف  
 Agriculture Par ecclbuage" ، به جای هم به کار برده می شوند .  
 Conklin (1957) .  
 (Angl. : shifting cultivation, swidden agriculture.)

### "اگری (Eygris) Aigri"

این واژه ، در اصل برای مروارید یا سنگی به کار می رود که توسط صنعتگران کشور سلطنتی  
 Benin در مرجان آبی رنگی به نام Akuri تراش خورده است ، که اسکلت های  
 مرجانی آنها در اعماق مناطقی از دریا ، نزدیک جزیره سان تومه و سان  
 Tomé و سواحل  
 کامرون بافت می شوند . در واقع جمع آوری "اگری" و ساخت مرواریدها بعد از انحطاط تمدن  
 بنین در قرن هیجدهم متوقف شده است .

امروزه ، به تمام مرواریدهای قدیمی از جنس سنگ و شیشه ( مخصوصا " آنها که به  
 رنگ آبی می باشند ) " اگری" گفته می شود ، از این مرواریدها در ساختن ، گردن بندها ،  
 دستبندها ، و لوازم آرایش بانوان در غرب آفریقا استفاده می شود .  
 می توان رواج و اعتبار "اگری" را به منشاء برتری آن مربوط دانست که امروزه ، این  
 اعتبار به مرواریدهای جنس آبی که در اکثر بازارهای این منطقه از آفریقا به فروش می رسد ،  
 داده شده است .

( Angl. : aggrry, accory. )

### "آئینو Ainou"

واژه "آئینو Ainou" به اقلیت قومی ساکن جزایر هوکایدو و Hokkaido ،  
 ساخالین Sakhalin و کوریل Kuriles ( واقع در شمال ژاپن ) اطلاق  
 می شود ، که در حال اضمحلال بوده و با در حال اختلاط با ژاپنی هایی هستند که به  
 نازگی در این سامان استقرار یافته اند .

"آئینو" ها از نظر انسان شناسی جسمانی مسائل و مشکلات مهمی ایجاد کرده اند .  
 سفیدی پوست و موهای بزرگ و فراوان بدن آنها ، باعث شده است تا به راحتی از همسایگان  
 خود که از نژاد مغولی هستند متمایز شوند . بعضی ها فکر می کنند که آنها از فرزندان یک  
 نژاد قفقازی می باشند ، نژادی که در گذشته دور ، در تمام آسیای شمالی پراکنده بود است .

در حالی که گروهی دیگر، آنان را به بومیان استرالیا و کینه، نو نزدیک تر می‌دانند، به طور سنتی "آئی نو"ها در گروههای: شکارچیان، ماهیگیران، و کردآوردگان خوراک قرار می‌گیرند. امروزه، "آئی نو"ها به فعالیت های باغیانی نیز می‌پردازند و تحت تاثیر و نفوذ روز افزون ژاپن مدرن قرار دارند.

J. Batchelor, The Ainu of Japon, 1901. J.B. Cornell, Ainu Assimilation, in Ethnology, Vol.3, July 1964 . G . P .  
Murdock, Our Primitive Contemporaries (P.163- 191), 1934.  
S. Tachura, Ainu of Modern Japon, 1960.

( Angl. : Ainu. )

" Aire Chronologique (ou aire temporelle)

"حوزه" بینش زمان شناسی یا حوزه، زمانی

مفهومی که به وسیله، تئوری اشاعه‌گرایی (Diffusionniste) متداول شده است، بر طبق آن، در یک "حوزه" فرهنگی " داده شده بعضی از " خطوط " با سرعت ثابتی از یک محل معین، به مثابه، " کانون فرهنگی " (یا مرکز اشاعه و انتشار)، نر می‌یابند، بنابراین، خطوطی که در سطح خارجی حوزه قرار دارند، قدیمی تر می‌باشند، در صورتی که خطوط مرکزی که برای فرهنگ کنونی گویاتر هستند، آنبده، طولانی‌تری را نوید خواهند داد.

( Angl. : age area. )

"Aire Culturelle فرهنگی

منطقه‌ای است جغرافیایی، که چندین قوم را در بر می‌گیرد، که با وجود اختلافات گوناگون، معیاد، عناصر فرهنگی مشابه یا قابل مقایسه در بین آنها کم نیست. مردم شناسان، قاره‌ها را به حوزه‌های فرهنگی مختلفی تقسیم کرده‌اند، ( به عنوان مثال: آمریکای جنوبی در کتاب Handbook of South American Indians به چهار حوزه بزرگ تقسیم شده است: حوزه "Ardine، حوزه "Circum-Caraïbe، حوزه "la Forêt Tropicale و حوزه "Marginale)، اما اغلب، نقشه‌های جغرافیایی که در دوره‌های گوناگون و به وسیله، مؤلفین مختلف ترسیم شده‌اند، هیچگونه مطابقتی - نه از روی تعداد، نه از روی اندازه، و نه از روی حدود و تئوری که باعث تفکیک آنهاست - با هم ندارند. این مسئله دقیقاً " به انتخاب خطوط فرهنگی مربوط می‌شود که، کاملاً "

اختیاری بوده و به عنوان مختصاتی برای حوزه، مورد بررسی در نظر گرفته شده است .  
 بر خلاف واژه آلمانی Kulturkreise (دایره فرهنگ یا تمدن) ، مفهوم "حوزه"  
 فرهنگی " ، با وجود اینکه از نظریه‌های اشاعه‌گرایی گرفته شده است ، معینا برای آن  
 دارای ویژگی خاصی نیست . واژه " حوزه فرهنگی " برای نخستین بار توسط انسان شناسان  
 آمریکایی برای سهولت نمایش اشیاء مردم نگاری در موزه‌ها متداول شده است .  
 کلمه " تمدن " (Civilisation) ، گاهی به معنای " حوزه " فرهنگی " به کار  
 می‌رود ، چنانکه امروزه ، در آفریقا از " تمدن کمان " ، " تمدن انبارها " ، " تمدن نیزه " ،  
 " تمدن محله‌ها و شهرک‌ها " و ... سخن گفته می‌شود .

( Angl. : Culture area.)

### "آلگونکن Algonquin(ou Algonkin)"

زندگی قبیله آلگونکن ( که وسکارینی Weskarini نیز نامیده می‌شود ) ، از آغاز  
 در حوزه دولت‌های کنونی Québec و Ontario سیری شده است . این قبیله نام خود  
 را به خانواده پر اهمیتی از نظر زبان شناسی داده است که ، در آمریکای شمالی ساکن بوده  
 و به گروه‌های ویژه زیر تقسیم می‌شود : آلگونکن ها . les Algonkin  
 آراپاهو ها — les Arapaho ، بلاک فوت ها les Blackfoot ،  
 شین ها les Cheyenne ، شی پی او آها les Chippewa ، کری ها les Cree ،  
 دلاوآرها les Delaware ، منومینی ها les Monomini ، میکسک ها  
 les Micmac ، اوجیبوآها les Ojibwa ، اوتاواها les Ottawa و ...  
 از طرفی یوروک ها les Yurok ، و ویوت ها les Wiyot ، یعنی افراد جدا مانده  
 از این خانواده ، زبان شناسی ، در سواحل اقیانوس کبیر سکونت دارند . امروزه ، تعداد  
 کثیری از این قبایل از بین رفته‌اند و آنها که زنده‌اند ، معمولا " در شرایط سختی روزگار  
 می‌گذرانند .

به نظر می‌رسد که امروزه ، زبان آلگونکن تقریبا " به وسیله صد هزار نفر (در کانادا و  
 آمریکا) تکلم می‌شود . تعداد کثیری از کلمات فرانسه که به طور دائم به کار می‌روند ، اصل و  
 ریشه آلگونکنی دارند ، که از آن جمله‌اند : totem ، mocassin ، Opossum ،  
 Sachem ، tomahawk ، و ...

Algonquian, Algonkian ، ( نام قبیله ) Algonkin ( Angl. :  
 خانواده یا فامیل زبان شناسی ) .

"همبستگی ، نظریه‌های همبستگی Alliance, theories de l'

بر خلاف آنچه که اکثر مردم شناسان آغاز قرن نوزدهم از آن جانبداری می‌کردند ،  
واژه‌های همبستگی (Alliance) و نظریه‌های همبستگی (Théories de l'alliance) ،  
فقط مشخص کننده رابطه پدر فرزندی (Filiation) نیستند ، بلکه این نظریه‌ها از  
ازدواج یا آمیزش (ولت) نیز ، که عامل اصلی و قابل سنجش برای سیستم های خوشاوندی است ،  
پشتیبانی می‌کنند .

"ریورز" (Rivers) را می‌توان طلایه‌دار "نظریه‌های همبستگی" به حساب آورد ،  
امروزه از "لوی - اشتروس" (Lévi-Struss) و به اعتبار بیشتر از آن از "لویی دومون"  
(Louis Dumont) به عنوان معرفی اصلی این گرایش نام برده می‌شود .  
( Angl. : Alliance Theories.)

"همبسته ها ، ولت کرده‌ها Alliéés

این کلمه برای افرادی به کار می‌رود که بین خود نوعی رابطه خویشاوندی - که حداقل  
شامل حلقه‌ئی از ازدواج باشد - داشته باشند .

( Angl. : affines.)

"آلتائیک Altaïque

از نظر مردم شناسی "آلتائیک" ها یک خانواده زبانی شناسی هستند که در  
آسیا و اروپا پراکنده‌اند ، و اساساً از سه گروه تشکیل شده‌اند :

۱- ترک - تاتار Turco - Tartare ، شامل : باش‌گیرها les Bachkir ،  
یاقوت‌ها les Iakoutes ، قرقیزها les Kirghiz ، و تاتارها les Tartares ،  
۲- مغول " le Mongol" ، شامل : بوریات‌ها les Bouriates ، کالموک‌ها  
les Kalmouks ، و مغول‌ها les Mongols .

۳- مانچو - تونگوز le Mandchou - toungeuse ، شامل : مانچوها  
les Mandchou ، اروک‌ها les Oroks ، و تونگوزها les Toungeuses .

"تناوب ، اقامتگاه Alternée, résidence

روش خاصی است برای اقامت ، که به تناوب در فاصله زمانی مناسب (مثلاً هر سال)  
صورت می‌گیرد . به طوری که مثلاً محل سکونت یک زوج و فرزندان‌شان از اقامتگاه فامیل  
زن به اقامتگاه فامیل شوهر متناوباً ، تغییر می‌کند .



جزیره‌نشینان دوبو (Dobu) ، در شرق اقیانوس آرام برای چنین نقل مکانی مشهورند .

( Angl. : alternating residence.)

" نیره تاج خروسیان Amarantes "

به گیاهانی گفته می‌شود که در مراحل مختلف رشد ( برگ‌ها ، گل‌ها ، میوه‌ها قبل از رسیدن ، دانه‌ها و غیره) ، به مثابه سبزی‌های خوراکی به وسیله ساکنین قدیمی آمریکای شمالی مصرف می‌شدند . ظهور این گیاهان در حفاریات باستان شناسی به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد .

استفاده و نیز اهلی کردن تاج خروسیان ، مختصات نخستین مرحله از تمدنی است که به تمدن " کارندگان دانه‌ها " معروف است . این عمل مبتنی بر نوعی کشاورزی خاص در آمریکا است که کاملاً با کشاورزی غلات در اروپا و آسیا که در آن گیاه قبل از برداشت محصول مورد استفاده قرار نمی‌گیرد - متفاوت است .

Sauer (1952)

( Angl. : amaranthes.)

" آمبیل - آناک "

" Ambil- anak "

( لغت اندونزی )

نوعی فاعده و دستورالعمل ازدواج است که در بسیاری از جوامع " اندونزی " مورد پذیرش بوده ، و از قانون کلی و عمومی حاکم بر این جوامع عدول می‌کند . وقتی که همه فرزندان یک خانواده فقط دختر باشند ، یکی از این دختران - بدون اینکه شوهرش " شریه‌ها " بپردازد - به شرطی می‌تواند ازدواج کند ، که اقامتگاه زوجین " مادر - مکان " Matri- locale (۱) تعیین شود ، در این صورت سایر دختران باید به طریق " پدر - مکان " Patri- locale (۲) ازدواج کنند .

( Angl. : ambil - anak.)

" روح Arre "

بر خلاف تفکرات بشماره‌ای که هنوز در روزگار ما جریان دارد ، دانش " روح " در انحصار فلسفه یونان با تمدن یهودی - مسیحی نیست ، بلکه تمام جوامع انسانی در تحت اشکال مختلف از آن بهره برده‌اند . متخصصان تاریخ مذاهب ، گاهی از " روح " شکل خاصی از یک

نیروی مافوق طبیعی را تصویر کرده‌اند که با بی تفاوتی (بیحرکتی) در طبیعت، ساکن است. گاهی نیز آنرا نمایشی از اساس زندگی موجودات زنده می‌دانند، و با نمونه‌سی از بنش "من" و "شخص" که در جهت معانی اخلاقی و حقوقی آن عرضه می‌شود، در هر حال، طرز تفکر و تلقی اکثر جوامع ابتدایی از "روح" با آنچه که فلسفه غرب با مذهب مسیح از این کلمه به دست می‌دهد تفاوت زیادی دارد، تفکری که ما را به آن عادت داده‌اند. گاهی، "روح"، "جوهری (Substance)" است مادی، چسبده و با ظاهری ملموس که، باطناً، از جوهری که جسم انسان و حیوان از آن ساخته شده است متمایز نیست. و این بدان معنی است که بسیاری از پژوهشگران از کنار این مفهوم، بدون درک دقیق آن رد شده‌اند، و یا موجودیت آنرا در نزد اقوام "ابتدایی" انکار کرده و به هیچ شمرده‌اند. تعدادی از جوامع قائل به وجود چندین روح در یک فرد می‌باشند، که هر یک به تنهایی دارای عملکرد مشخص و مجزایی است.

(angl. : Soul.)

" آمیتا Amitat "

از واژه لاتین - ae, amita به معنای "عمه" آمده است. "لوی" (Lowie) و "مردوک" (Murdock) آنرا از واژه لاتین avuncula به معنای "عمو" گرفته‌اند، تا پایگاه (Statut) مخصوصی را که در بسیاری از جوامع و در رابطه بین یک زن و عمه‌اش وجود دارد، به خوبی نشان دهند. وقتی بعد از ازدواج، یک زن و شوهر جوان، در همسایگی یا روی زمین‌های متعلق به عمه، زن زندگی کنند، در این صورت به اقامتگاه زن و شوهر، " عمه - مکان Amitalocale " گفته می‌شود.

(Angl.: amitate, amitalocal residence.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

" آموک Amok "

(واژه مالزیایی که شاید ریشه هندی داشته باشد.)

نظواهرات فرهنگی خاصی است، که در شخص برانگیخته شده و بی اختیار وادارش می‌کند، تا تحت تاثیر نیروی محرکه، فعالیت‌های روحی، دست به آدم‌کشی بزند. در گذشته، "آموک"، نوعی حمله بیماری پیش‌بینی نشده بود، که ناگهان دیوانگی شدید را باعث می‌شد.

امروزه، "آموک" را معادل نوعی خودکشی می‌دانند، که اغلب به علت،

برخوردهای زندگی زناشویی، تحمل ناکامی ها در بین مردم، و غیره، حادث می شود. شخص "آموک"، مدام در حال دویدن است، او اسلحه به دست می گیرد و هر که را که رد شود می کشد، و این عمل را تا زمانی که از حالت آزار رسانی خارج نشده، ادامه می دهد.

اینگونه رفتار در بسیاری از مناطق دنیا مانند، ملانزی، هند، سبیری و مجمع الجزایر "تیرادل فیوگو" Tierra Del Fuego " (۱) و ... به وضوح دیده شده است.  
( Angl. : amok , amuck.)

" طلسم ، دعا Amulette  
V. Phylactère  
(Angl. : amulet )

"مقایسه، تجزیه و تحلیل فرهنگی Analyse Culturelle Comparative  
V. Comparative, analyse Culturelle

" آناسازی یا آناسازی Anasazi  
V. Basket- makers

" آندامان Andaman (Andamanais)

این واژه را برای ساکنان جزایر آندامان (واقع در جنوب شرقی خلیج بنگال، در شمال سوماترا) ، یا برای زبانی که در آنجا تکلم می شود، به کار می برند. آندامان ها به گروه نژادی "نگرتیو" Negrito " تعلق دارند، و خود به چندین گروه، دارای زبان و فرهنگ نسبتاً متفاوت تقسیم می شوند. اکثر آندامان ها، امروزه فرهنگ پذیر شده اند، (۲) تنها، گروه های انسانی ساکن در جزایر "جاراوا" Jarawa " (جزیره "سوت آندامان" South Andaman "، و جزیره "روتلاند" Rutland " ) و "اونژ" Ōnge " (جزیره، "لیتل آندامان" Little Andaman \* )، هنوز زندگی سنتی و اولیه خود را حفظ کرده اند.

در سال ۱۸۶۰ تعداد آنها تقریباً به ۵۰۰۰ نفر می رسید، که در سال ۱۹۲۱ به کمتر از ۱۰۰۰ نفر بالغ شده است. آنها گروه شکارچیان و گردآورندگان خوراک را تشکیل می دادند، که از نوعی تکنولوژی ابتدایی برخوردار بوده اند. مطالعه، "رادکلیف براون"

Radcliffe-Brown "روی این اقوام به شناساندن آنها کمک کرده است .  
E.H. Man : On the aboriginal Inhabitants of the Andaman  
Islands (1882) . A. R. Radcliffe- Brown : the Andaman  
Islanders (1922).

( Angl. : Andamanese.)

### "روح‌گرایی Animatisme"

این واژه را "مارت" ( R.R.Marett ) ضمن انتقاد از تئوریهای مذهبی "تایلور"  
( Tylor ) و "فریزر" ( Frazer ) ، برای تشریح گرایش روح و نمایاندن اینکه  
اشیاء بی جان نیز به مثابه موجودات زنده ، از احساسات و اراده خاصی برخوردارند ،  
به کار برده است . هدف "مارت" این بود که ، این کشش موهوم و گرایش مذهبی "وحشیان"  
را به استقرار ارواح در همه جا ، که نظریه سازان اولیه به آن "جان‌گرایی animisme"  
نام داده‌اند ، مشخص کند . "مارت" تاکید می‌کرد که ، وقتی "وحشیان" تجسمی از پدیده  
های طبیعی داشتند ، به ناچار ، مرادهمی با ارواح برقرار نمی‌کردند .

( Angl. : animatism; All. : Animatismus.)

### "جان‌گرایی Animisme ، همزاد گرایي"

این واژه که به عنوان یک نظریه ، توسط "تایلور" ( Tylor ) به اشتها رسیده ،  
گویای آن است که ، نخستین مرحله از تحول مذهبی بشریت ، مبتنی بر این باور بوده که ،  
همه چیز در طبیعت دارای "روح" است . این نظریه به وسیله نظریه سازان بعدی ،  
علی‌الخصوص ، توسط "فریزر" ( Frazer ) و "موس" ( Mauss ) مورد انتقاد قرار  
گرفت . آنها گوشتند تا به درستی نشان دهند که مذهب از پرستش ارواح جداست ، و  
از نظر تاریخی نمی‌تواند از آن مشتق شده باشد .

در واقع ، این نوع مشکلات و تفاسیر مربوط به آن ، از تاریخ و روایتی احتمالی بر  
می‌خیزد ، و بر اساس داده‌هایی است که از اصل دارای هویت و بررسیهای غلطی بوده‌از  
مردم شناسی پایان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم منشعب شده است .

امروزه ، واژه و تفکر مربوط به "جان‌گرایی animisme" از فرهنگ انسان  
شناسی رخت بریسته است .  
V. naturisme.

Durkheim(1912) Frager(1890) Lowie(1924) Mauss (1950)

Tylor (1871) ( Angl. : animism.)

" نابسامانی ، بی‌هنجاری Anomie "

این واژه که در فاصله سالهای ۱۸۹۳ ، ۱۸۹۷ توسط " دورکهایم " ( Durkheim ) در جامعه‌شناسی داخل شده ، برای تعیین حالتی از " دردشناسی اجتماعی Pathologie Sociale " ، در یک جامعه سنتی به کار می‌رود ، که منشعب از " ناپایداری و پرهشانی Désintégration " یا " تخریب Destructuration " و یا " بحران اجتماعی Crise Sociale " گذرا در آن است .

واژه " آنومی Anomie " نوعی جدائی در همبستگی افراد را نشان می‌دهد که به علت فقدان رشته‌های قابل انجام در بین آنها ، ایجاد می‌شود . از اینرو ، بعضی از مؤلفین آنرا در مقابل " خودبینی " و " نوع‌دوستی " (۳) قرار داده‌اند . و در این رابطه است که " رادکلیف - براون " ( Radcliffe - Brown ) انسان‌شناس انگلیسی ، واژه " Dysnomie " را بر آن ترجیح داده است ، معنای آن ، از واژه فوق کمتر استفاده شده است .

( Angl. : anomy, anomie.)

" زایش انسان ، نسل انسان Anthropogonie "

از واژه‌های یونانی Antrôpos ( انسان ) و Gênia ( زایش ) گرفته شده است .

نظریه‌ی سنت علمی یا اسطوره‌ی ، که به شرح ظهور انسان روی زمین می‌پردازد .  
Syn. : anthropogènèse .

(Angl. : anthropogeny, anthropogenesis.)

زیرنویس‌ها

۱ - " مادر - مکان " (Matri- locale) ، قاعده و قانونی است که بر طبق آن باید بعد از ازدواج ، زن و شوهر در روی زمین یا روستایی که " مادرزن " ساکن است اقامت کنند . ( مترجم ) .

۲ - " پدر - مکان " (Patri- locale) . قاعده و قانونی است که بر طبق آن باید بعد از ازدواج ، زن و شوهر در روی زمین‌های " پدرشوهر " یا در روستایی که او ساکن است ، اقامت کنند . ( مترجم ) .

۳ - مجمع الجزایر ، " تیرادل فیوگو Tierra Del Fuego " به مساحت ۷۷۰۰۰۰ کیلومتر مربع و ۱۰/۰۰۰۰ نفر جمعیت ، در قسمت جنوبی قاره آمریکا قرار دارد ،

و به وسیله تنگه، مازلان از آن جدا می شود. ساکنین عمده، آنرا "فوزین ها Fuegiens" تشکیل می دهند. "نرادال فیوگو" به سرزمین آتش Terre de Feu نیز معروف است. ( مترجم ) .

۴- "جزایر آندامان Les îles Andaman" متعلق به هندوستان است .

۵- در فرهنگ لغات، "خودبینی Égoïsme" و "نوع دوستی Altruisme" به عنوان واژه های متضاد یکدیگر استعمال می شوند. ( مترجم ) .

ترجمه: اصغر عسکری خانقاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی